

نشانی برای دریافت و انتشار  
ایمیل های شما  
Info.sabz1388@googlemail.com  
تیراژ این شماره: ۴۲۵۰۰۰



کودتا چیان به سیاست سرکوب ادامه می دهند:  
اعدام، زندان، پلیسی کردن مدارس

صفحه: ۲

## ۱۳ آبان سبز از تهران تا نیو یورک



عظاً اله مهاجرانی:  
شیرازی ها مسجد  
آتشها را سبز کنید

راه های  
مقابله  
با  
پارازیت های  
ماهواره  
و  
فیلتر  
شکن ها



فیگارو:  
صدای ایران در تبعید

محسن مخملباف جایزه اش  
در فستیوال حقوق بشر را به  
کروبی تقدیم کرد

مهدی کروبی نامزد صلح  
نوبل سال آینده

صفحه: ۴ و ۸

۱۳ آبان سبز نزدیک است

اعتراض ادامه دارد و ما بیشماریم

آبان چرا همه جا سبز می شود؟

سبزی که رنگ نمی بازد

فرمانده ناجا:

۱۳ آبان با جنبش سبز مشکلی نداریم

ناشر



موسسین:

خانه فیلم مخملباف / نوشابه امیری  
هوشنگ اسدی / فریبرز بقانی  
محسن سازگارا / علیرضا نوری زاده  
فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی:  
شهلا بهار دوست

اولین پیش شماره هفتم تیر ماه  
هزار و سیصد و هشتاد و هشت

اول نادیده ات می گیرند، بعد مسخره ات می کنند، سپس با تو مبارزه می کنند، اما در نهایت پیروزی با توست. "ماهاتما گاندی"

جنبش سبز

جنبش سبز: روز ۱۱۲

صفحه: ۵

هنر سبز

سروده هایی از:  
بابک شاکر  
ایرج عبادی  
ویدا فرهودی  
نقاشی از:  
یاسین

صفحات: ۱۱-۱۲

راههای سبز

عقب نشینی د رخارج،  
سرکوب د رداخل  
لیبراسیون: رمز چرخش ایران  
امروز سلطنت طلبان،  
فردا ساختار شکنان

صفحات: ۱۰-۲



## ۱۳ آبان سبز

### اعتراض ادامه دارد و ما بشماریم

۱۳ آبان سبز نزدیک است



برخیز ایرانی... برخیز تا بار دیگر نماد سبز وطن پرستی را بر فراز آسمان تاریک این مرز و بوم برافرازم. آنها به انتقام خون سیاهشان تشنه ی خون سرخ فرزندانمان شده و آنها را به نیستی و نابودی می کشند. ۱۳ آبان ماه نزدیک است. حماسه ای دیگری در راه است. برخیز تا صدایی بلندتر از بلندی دماوند سر دهیم. برخیزید تا نشان دهیم که نسل ما وارثان حقیقی این خاکند. ۱۳ آبان ماه منتظرت هستیم.

### در چهار رچوب فعالیت قانونی

#### فرمانده نا جا: ۱۳ آبان با جنبش سبز مشکلی نداریم

اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی در پاسخ به این سوال که برخورد نیروی انتظامی با حضور احتمالی مردم معترض در راه پیمایی 13 آبان چگونه خواهد بود، گفت: "تصورم این است که در روز 13 آبان اتفاقی رخ نمی دهد و ما نباید خیلی نگران باشیم. روز قدس هم گفتیم اتفاقی نخواهد افتاد که اتفاقی هم نیفتاد."

احمدی مقدم تاکید کرد: «13 آبان روز مبارزه با استکبار است و ما کارهای همه ساله مان را انجام می دهیم و نباید خیلی نگران باشیم. در رابطه با روز قدس هم گفتیم اتفاقی نخواهد افتاد و اتفاقی هم نیفتاد، در موضوع ورزشگاه آزادی نیز به همین شکل. ما با جنبش سبز یا هر جنبش دیگری اگر در چارچوب قانون باشد مشکلی نداریم و حتی اگر غیرقانونی باشد تا مرز آشوب تحمل می کنیم اما اگر به آشوب و اغتشاش کشیده شود نیروی انتظامی برخورد می کند. اما تصورم این است که روز 13 آبان حادثه خاصی نخواهیم داشت.»

### آبان چرا همه جا سبز می شود؟

احمد فرزانه



قرار است ۱۳ آبان همه جا سبز شود، از تهران تا نیویورک، تا روستاهای دورست، هر جا یک دانشجو دارد حتی اگر امروز ساکن آنجا نیست، هر جا که یک کامپیوتر، یک کاربر اینترنتی، که می داند "جنبش سبز متعلق به همه ایرانیان" است، همانگونه که ایران متعلق به همه ایرانیان است. جنبش سبز متعلق به همه آنهاست که در ۲۲ خرداد رای دادند، به همه آنهاست که یکبار دیگر در تاریخ صدساله به تزویر و زر و زور با رای خود "نه" گفتند، که امروز و تا سالهای بعد، تا زمانیکه دولت نامشروع تقلبی بر سر کار است، فریادشان بلند است "رای من کجاست!؛ امری که چون ناقوس مرگ متقلبین رای سازی و... سر دمداران انتخابات از آن وحشت دارند. واکنش هاشان را دیدیم، چقدر وحشیانه که فراموش نمی شود و خواهد شد، که ننگ تاریخی را برای خود باقی گذارند. کسانی که غالباً معلوم نیست در انقلاب اسلامی کجا بودند حالا انقلابیون اولیه را "ضد انقلابی" و... می نامند. کودتایی مقتضح و ننگین که از یادها خواهد رفت.

خدا شیخ اصلاحات را نگهدارد، که افشاگری هایش پایه های "نظام ظالمانه" موجود را به لرزه در آورده است که دیگر از خودی ها هم نیست، متعلق به اقلیتی بی ریشه است. کودتا چینی که کار خودشان را هم بلد نیستند که با دستپاچگی رای موسوی را بنام احمدی نژاد خوانند، غافل از اینکه این بار صاحبان رای به خیابان خواهند آمد، و به همچنین "موسوی" رئیس جمهور منتخب که بر کیش شخصیت شجاعانه قلم بطلان کشید، که ما چقدر در سیاست و کجاست زیان آن را دادیم، که هر که به قدرت رسید از کرسی آن پایین نیامد. و "خامی"، سید خندان که نماد امید است که بر گفتگو، تساهل و تسامح در برابر خشونت و خشونت طلبان باز هم تاکید دارد. چه او شخصیت فرهنگی است که مشکل امروز ما بیشتر "فرهنگی" است که "لومین های" حاکم غالباً میلیاردرهای تازه بدوران رسیده اند. اگر چه مدعی اند که در "جبهه" بوده اند. حتما در جبهه اقتصادی و قاچاق و شریک مولفه و...

در شرایط حساس و سخت تاریخی بسر می بریم باید مواظب باشیم "آب را گل نکنند". سبزی و شفافیت جریان "سبز" به خاطر آنست که گذشته گذشته است، و گر نه لحظات دردناک تاریخی، جنگ قدرت، دهه شصت، شصت و هفت، گروگانگیری، جنگ داخلی، جنگ هشت ساله، قتلهای زنجیره ای، و... همه را باید به تاریخ نویسان سپرد که چگونه انقلابی که با گل بر لوله تفنگ پیروز شد، کم کم بخون کشیده شد. به انحراف، به شکست، به عقب گرد، به جنگ داخلی، مدیریت غلط، دعوی جناح ها، فساد گسترده، تجاوز و تا کابینه "دروغ" و... زیرا که رادیکالیسم کور و کینه های تاریخی از همه سو سر بر آورد، دست از سر ما برداشت، و ما را به دره های هولناک کشاند، که راه گریز بسته بود. با اینهمه "در ناامیدی بسا امید است - پایان شب سیه سفید است."

قصه تاریخی مان غصه سالها شد و هنوز هم هست که چه بسیار رجزخوانی ها در مواردی نمودند و در نهایت مفتضحانه تسلیم شدند. از جریان مک فارلین تا امروز که هر گز با مردم شفاف نبودند تا "گروگانگیری" رادیکالیسمی که باید از آن پرهیز کرد، امری که "بخاطر کنار زدن دموکراسی طلبها - مخالفین - و دولت موقت به بهانه لیبرالیسم بود!!"

ولی امروز با نسلی دیگر و جامعه ای نه تنها "پوست انداخته" بلکه "استخوان ترکانده" که لرزه بر ساختارها افکنده است، که اگر روشها عوض نشود فرو خواهد ریخت و آنوقت نه از "تاک نشان خواهد ماند نه از تاک نشان". باید توجه داشت که حضور ما در خیابان تأیید حرکتی نباشد که "استبداد مذهبی" از آن بهره برداری نمود. "گروگانگیری" همانند بهره گیری از "انرژی اتمی" که حق مسلم مان بود، ولی پس از سالها رجزخوانی و سرکوب و تحریم در نهایت به تسلیم و نفی عزت ما انجامید. در عین آنکه استقلال ما یکی از مهمترین هاست به موازات آزادی و عدالت که بخاطر "استقلال آزادی و پیشرفت و عدالت" انقلاب گردید.

ولی چرا سیزده آبان باید همه جا سبز کرد، زیرا که انقلاب در واقع از دانشگاه در روز ۱۳ آبان شروع شد که نظامیان شاه دانشجویان را در برابر دوربین های تلویزیون دولتی که "آن روز در خدمت انقلابیون بود" به خاک و خون کشیدند، و گوینده تلویزیون به صورت زنده در حالیکه شهیدان انقلاب روی زمین افتاده بودند در حالیکه با دست بدانان اشاره داشت فریاد کرد "مردم همه را کشتند". از این زمان لحظات سرعت گرفت و... "آیا زمان تکرار می شود". اگر در کودتای بیست و هشت مرداد در کشور ما شانزده آذر را داریم که سه دانشجو شهید شدند تا جاییکه "غرور گریه کرد"، در ۱۳ آبان ۵۷ این غرور از دست رفته به چهره ها برگشت. خوش درخشید ولی افسوس که دولت مستعجل بود، که آرمانهای انقلاب همه از یاد رفت تا جاییکه گفته شد "نادری پیدا نمی گردد امید - کاشکی اسکندری پیدا شود."

و بالاخره دوم خرداد که افق دوباره روشن شد، افسوس که "لحظاتی سخت بیشتر نیابید". ولی امروز این سبزی متعلق به بهار یک نسل است که نه انقلاب را دیده، و نه مصیبت های آن را، جنگ را، دوز و کلکهای دین سالاران را که "پوستین وارونه" را تکرار نمودند، حتی "مخلصین" را به حاشیه راندند. این ۱۳ آبان یاد آور آن ۱۳ آبانست که سرخ بود، ولی امروز خدا را شکر که همه جا سبز است. چه، ما با جامعه مدنی روبرویم و تولد نسلی دیگر که آینده متعلق بدوست. کنش او در انتخابات پیام خود را داشت که "آغاز یک پایان است" به هوش باشید خود را بیش از این خراب نکنید که البته راه برگشت را هم بسته آید. چه ناجوانمردانه تلاش کردید سبزی را باز هم سرخ نمایید، ولی می دانید دعوا یک طرفه نخواهد ماند.

منبع: ایران امروز





### امید جوانان و نگرانی پیران

جوانان و دانشجویانی که فعالیت‌های آنها زیبایی‌شناسی جنبش را رقم می‌زند، هنوز و همچنان در اشتیاق و به امید آن رویداد بزرگ هستند. امید به یک تغییر بنیادین هم در نظام و هم در زندگی آنها. ایرانیان محتاط اما از اینکه پس از فروپاشی سریع رژیم، یک خلاء قدرت به وجود آید، نگرانند.

میرحسین موسوی ۶۸ ساله، نامزد انتخابات ۲۲ خرداد، برای همه طرفین شخصیت اصلی به شمار می‌رود. ولی اتفاقاً همین دامنه وسیع جنبش مانع حرکت او می‌شود. نخست وزیر پیشین جمهوری اسلامی، به عنوان کسی که خودش از نظام می‌آید، می‌خواهد تا جایی که ممکن است محافظه‌کاران مخالف احمدی‌نژاد را به خود جلب کند. یکی از خودی‌های رژیم معتقد است موسوی برای نخبگان رژیم بسیار سودمند است چرا که «آنها می‌دانند ممکن است موسوی قدرت را از آنها بگیرد، ولی زندگی‌شان را به آنان می‌بخشد». اما موسوی همزمان باید خود را آشتی‌ناپذیر نیز نشان بدهد، وگرنه حمایت جوانان و طبقات متوسط مدرن را از دست خواهد داد.

رژیم در خیابان و در برابر خانه موسوی دوربین‌های مراقبت نصب کرده است. وقتی موسوی از خانه بیرون می‌رود، او را دو گروه محافظ همراهی می‌کنند: یکی محافظان خودش و دیگری گروهی مأمور از سپاه پاسداران. دامنه دستگیری‌ها به اندازه‌ای تنگ شده که به گروه رهبری رسیده است. از همین رو برنامه‌های پیشین مبنی بر تشکیل حزب و نهادهای مردمی لغو شدند. جنبش دمکراتیک باید خودش را به مثابه «شبکه»‌ای که نتوان آن را ممنوع کرد، گسترش دهد.

علیرضا بهشتی یکی از مشاوران نزدیک موسوی می‌گوید: «این شبکه از ورود هر کسی که هویت ایرانی-اسلامی کشور را ارزش می‌شمارد و قانون اساسی را به مثابه مبنای فعالیت می‌پذیرد، استقبال می‌کند». پیرامونیان موسوی معتقدند: «جمهوری اسلامی باید بماند منتها با اصلاحات». از قانون اساسی بیش از هر چیز اصولی از آن که حقوق شهروندی از جمله آزادی عقیده و تجمع را تضمین می‌کنند، باید اجرا شوند.

موسوی در بیانیه‌های خود که از طریق اینترنت خطاب به «ملت ایران» صادر می‌شود، خواهان اصلاح قانون انتخابات، آزادی مطبوعات، مجوز رادیو و تلویزیون خصوصی، قانون منع دخالت نظامیان در اقتصاد و سیاست، آزادی زندانیان سیاسی و به کیفر رساندن اعمال‌کنندگان خشونت در زندان‌ها شده است. در تهران شنیده می‌شود که کار برای شکل‌گیری یک دولت جدید بر اساس این خواست‌ها آغاز گشته و در کمیسیون‌های مربوطه افرادی از نهادهای دولتی کثونی و هم چنین ایرانیان خارج از کشور شرکت دارند.

### پلورالیسم اسلامی

گفته می‌شود به جای رهبر قدرت انقلاب قرار است یک گروه پنج تا هشت نفره از روحانیان قرار گیرند که برای مدت معینی به طور مستقیم از سوی مردم انتخاب می‌شوند. آنها باید نماینده یک پلورالیسم مذهبی باشند که آن را می‌توان با آزادی انتخاب در زندگی روزانه شیعیان مقایسه کرد: یک شیعه مؤمن آزاد است از آموزش‌های این یا آن روحانی پیروی [تقلید] کند. هیچ کس حق ندارد خود را منسوب به قدرت الهی بداند. موسوی معتقد است: «هیچ کس حق ندارد بگوید: اسلام راستین آن چیز است که من درک می‌کنم.»

هیچ چیز سریع به انجام نخواهد رسید. امید این است که فشار مداوم و فرسودگی فزاینده رژیم بتواند احمدی‌نژاد را در میان‌مدت به استعفا وا دارد. موسوی اصراری ندارد که حتماً خودش به جای وی بیاید. برای به دست آوردن وقت جهت روشن‌گری در میان مردم، ممکن است یک راه حل میانی لازم شود. مثلاً احمدی‌نژاد به سود محمدباقر قالیباف کنار برود. این شخصیت میانه‌رو و محافظه‌کار محبوب در خرداد ماه، جنبش مردم را با اعلام اینکه شمار تظاهرکنندگان سه میلیون نفر بودند، به رسمیت شناخت.

به نظر می‌رسد موسوی خود بر این موضوع آگاه است که زندگی وی بیش از آن با سه دهه تاریخ جمهوری اسلامی گره خورده است که بتواند تجسم آینده ایران باشد. به عنوان یک مسلمان مؤمن وی همواره با خودش در دوگانگی خواهد بود اگر خواهد خواست‌های جوانان را مبنی بر لیبرالیزه کردن شیوه زندگی تحقق بخشد. ایرانیانی که شراب می‌نوشند، باید جایی در این جنبش داشته باشند. ولی موسوی خودش حاضر نیست پشت میزی بنشیند که دور آن شراب نوشیده می‌شود.

مهدی کروب، دومین نامزد اصلاح‌طلبان، بسیار تهاجمی‌تر عمل می‌کند. در هفته‌های گذشته وی روحانی محبوب و مبارز واقعی علیه رژیم بود. او بود

### سبزی که رنگ نمی‌بازد



نقطه قوت و نقطه ضعف جنبش سبز، هر دو، اتفاقاً در همین شبکه‌ای بودن، چندصدایی بودن و انتزاعی بودن آن است. یک صدای روشن وجود ندارد که بتواند درباره مذاکرات اتمی که از اول اکتبر به جریان افتاده‌اند، یک موضع مشخص بگیرد. این نگرانی که احمدی‌نژاد بتواند مشروعیتی را که در داخل ایران از آن بی‌بهره است در خارج تأمین کند، در نزد کسانی که حتی با گفتگوها نیز موافق هستند، وجود دارد. خود موسوی اما هیچ تمایلی ندارد درباره این موضوع به شدت حساس وارد درگیری شود.

باز هم رسانه‌های غربی پر از خبر و گزارش و تفسیر درباره برنامه‌های اتمی ایران هستند. «جنبش سبز» نیز از سایه برنامه اتمی به کنار نیست. گذشته از آنکه رویدادهای تابستان نشان داد تا چه اندازه نمی‌توان به شناخت و تفسیرهای غرب تکیه کرد، لیکن با این همه خواندن برخی از این تفاسیر و هم چنین اطلاعاتی که به دست می‌دهند، درست مانند این تفسیر، بسیار هم جالب است. در این گزارش و تفسیر می‌خوانید چرا ممکن است احمدی‌نژاد به سود قالیباف کنار برود، و در چهار کشور، از جمله هلند، برای راه انداختن یک «رسانه سبز» فعالیت می‌شود، و کمیسیون‌هایی برای تشکیل یک دولت جدید تشکیل شده‌اند، و افرادی چون کدیور و مخملباف و مهاجرانی قرار است «جنبش سبز» را در صورت دستگیری موسوی هدایت کنند و غیره... این شما و این اطلاعات مهم «دیتسایت» که ظاهراً برای کسی مهم نیست!

در یک برنامه زنده تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی، آخوندی به مشاوره و نصیحت مشغول است. خامنی که به برنامه تلفن زده، از مشکلات زناشویی خود می‌گوید و بعد ناگهان اضافه می‌کند: «اتفاقاً شوهر منم اسمش میرحسین موسویه! درست مثل رئیس جمهور منتخب!» برنامه در حالی که مجری میخکوب شده، قطع می‌شود.

اغلب بر روی اسکناس‌ها می‌توان علامت پیروزی را به رنگ سبز دید و یا شعار «مرگ بر دیکتاتور» را خواند. و یا طرح کوچکی از نداء، شناخته‌شده‌ترین جانباخته روزهای پس از انتخابات خرداد. طرح ندا کاملاً حرفه‌ای تهیه شده و طرز طراحی آن را می‌توان در اینترنت یافت.

بسیاری از تماشاگران در یک بازی فوتبال در اصفهان رنگ سبز به تن دارند. دوربین‌های تلویزیون تلاش می‌کنند آنها را نشان ندهند. ولی رنگ باشگاه اصفهان نیز سبز است. از باشگاه خواسته شده که رنگ دیگری را برای تیم خود انتخاب کند.

جنبش دمکراتیک در ایران با وجود سرکوب، شکنجه و دادگاه‌های نمایشی، محوشدنی نیست. این جنبش به آن اندازه قوی نیست که بتواند دولت احمدی‌نژاد را به زانو در آورد، ولی آنقدر قوی هست که کشور را در حالت تنش نگاه دارد. از آنجا که هرگونه تجمعی ممنوع است، هر مراسم رسمی به تجمع اعتراضی تبدیل می‌شود درست مانند راهپیمایی ضداسرائیلی روز قدس که در آن دهها هزار نفر انگشتان خود را به علامت پیروزی بالا بردند و خواهان آزادی دستگیرشدگان شدند. در آن روز، تجربه‌ای که پیش از این در خردادماه روانشناسی جامعه را تغییر داده بود، تکرار شد: با وجود ممنوعیت می‌توان به خیابان رفت. اگرچه خطرناک است، ولی ممکن است.

در این میان یک منبع پنهان دیگر نیز جنبش سبز را تغذیه می‌کند: این جنبش سبب آشتی نسل‌ها در بسیاری از خانواده‌ها شد و پلی بنا کرد میان فاصله نسلی که سی سال پیش انقلاب کرد با نسلی که از پیامدهای آن انقلاب رنج می‌کشد. امروز پسران دوباره با پدران خود سخن می‌گویند.

هر شب، عصرها، مادران جانباختگان رویدادهای اخیر با لباس سیاه در پارک لاله جمع می‌شوند. زنان دیگر دور آنها را گرفته و با سکوت خود با آنان اعلام همبستگی می‌کنند. در میان نام هفتاد و دو نفر جانباختگانی که نام‌هایشان اعلام شده است، می‌توان به نام کارگر و کفاش و کارمندان جزء برخورد. سرسختی جبهه‌های طرفین را می‌توان در شکستن آنچه دید که پیش از این تابو به شمار می‌آمد. در روز قدس، محمد خاتمی رئیس جمهوری پیشین به زمین افتاد و عمامه سیاهش از سر ریزیده شد. خاتمی میانه‌رو، پیش از این، رژیم را در به کارگیری شیوه‌های «فاشیستی» سرزنش کرده بود.

پس از این اعمال و این سخنان دیگر بازگشتی وجود ندارد. رویدادهای ایران با سرسختی نرم‌ناپذیری بر هم انباشته می‌شوند. لیکن به کدامین سوی؟

## فیگارو : صدای ایران در تبعید



شیرین نشاط، فیلمساز ایرانی، در اولین فیلم بلند خود برنده جایزه جشنواره ماسترای ونیز شد.

چهار شخصیت این فیلم تحت عنوان "زنان بدون مردان"، به مانند شیرین نشاط، دارای جدیتی خاص با یک هماهنگی طبیعی مملو از ظرافت و جذابیت هستند. آنان در فیلم با دامن‌هایی سفید رنگ زیر شلنیت‌های دهه ۱۹۵۰ و چادر سیاهی که بر آنان تحمیل شده ظاهر می‌شوند. شیرین نشاط الگوی یک زن آزاد است، الگوی یک هنرمند در تبعید.

شیرین نشاط، عکاس، فیلمساز، شاعر و مجسمه‌ساز، ایده‌های بسیاری از داستان‌های مشرق زمین گرفته تا زیبایی فیلم خود را صد چندان کند. او که ساکن نیویورک است، حدود یک ماه پیش به همراه گروهش با لباس سبز عازم ونیز شد تا از مردمی که در ایران خواهان دموکراسی اند و علیه حکومت تهران مبارزه می‌کنند حمایت کند.

او که در سال ۱۹۹۹ جایزه شیر طلایی را به خاطر فیلم "عصیانگر" در ونیز دریافت کرد، در آثار عکاسی خود به پرتزه‌های زن و کودک می‌پردازد. هنرمندان از دانمارک تا دوی محو جذابیت آثار او می‌شوند؛ آثاری که در ابتدا آرام به نظر می‌رسند، ولی به تدریج به تلخی و ابهام می‌گریند، درست به مانند تاریخ کشوری که ترک شده، مورد انتقاد قرار گرفته و در نهایت مورد افسوس واقع شده.

شیرین از سال ۲۰۰۳ پنج زن را که سمبل آزادی اند به تصویر کشیده است: ماهدخت، بکره‌ای که به روماتیک بودن و جنون محکوم شد و در نهایت آرزو کرد به درخت تبدیل شود؛ مونس، زنی جوان، با شعور و شورشگر که روحیه ای معترض می‌یابد؛ فائزه، شخصیت پرهیزکار و مطیع که به دلیل یک نگاه اضافی مورد تجاوز قرار می‌گیرد؛ زرین، شخصیتی ناپاک که از بی‌اشتهایی رنج می‌برد؛ فخری، همسری که مورد بی‌احترامی قرار گرفته در نهایت می‌گریزد تا آزادی و دوستانش را بازیابد. تمامی این زنان به گونه‌ای شبیه‌ای هستند.

شیرین می‌گوید: "ماه ژانویه هفت سال می‌شود که به سمت مردان بدون زنان، رمان نوشته هومونم شهرنوش پارسا پور رفته‌ام؛ هفت سالی که طی آن فیلمبرداری تصاویر و نوشته‌های این فیلم بلند را بارها تغییر داده‌ام." او در ادامه می‌افزاید: "یک کلیپ زمان کوتاهی دارد، ولی یک فیلم یک داستان جامع است که در سائل سینما برای مردم بازگو می‌شود. به همین دلیل باید زندگی این زنان و سرنوشت مشترکشان را از نو بررسی می‌کردیم و مونتاژ را به گونه‌ای انجام می‌دادیم تا روند داستان و درک آن برای تماشاگر طی ۹۰ دقیقه قابل فهم باشد."

چطور می‌توان این داستان وحشتناک را برای بیننده نقل کرد بدون اینکه وحشت را به او منتقل نمود؟ شیرین می‌گوید: "فیلمسازی یعنی خلق شخصیت و باورپذیر بودن، حتی اگر فیلم درونمایه‌ای سمبولیک داشته باشد و از تصاویر و استعاره اشباع شده باشد. من خواستم در عین توجه به هنرهای تجسمی، فیلمسازی کنم و همان هنرمند مفهوم گرا باقی بمانم."

اکران این فیلم پس از تابستان یک "تقارن کامل" بود. شیرین می‌افزاید: "برخی به من توصیه کردند این کار را نکنم، ولی من گفتم نه، اکنون دقیقاً زمانی است که این فیلم باید روی اکران بیاید. ما جامعه‌ای پیچیده بودیم که در آن تمامی جریان‌های سیاسی وجود داشت. کتاب‌ها، نظرات و تحلیل‌های مختلفی در مورد روابط ایالات متحده و ایران انجام شده. البته تعداد آنهایی که به موضوع کودتای ۱۹۵۳ و انقلاب اسلامی می‌پردازند کم است. ما از ادامه این راه چشم‌پوشی نمی‌کنیم و امیدمان را از دست نمی‌دهیم. ما باید افتخار ملی خود را بار دیگر به دست آوریم."

منبع: روزان لاین



که تجاوز به زنان و مردان را در زندان‌های رژیم افشا و علنی کرد. این موضوع بسیاری از ایرانیان را از جمله در میان طرفداران ساده و مذهبی احمدی‌نژاد عمیقاً تکان داد. کروی داری ویژگی‌های یک رهبر مردمی و موثر نیست، لیکن او بود که شکاف‌های رژیم را به نمایش گذاشت.

موسوی بیشتر به «شاه» در بازی شطرنج شبیه است: حرکات کوچک، عقب‌نشینی به هنگام خطر و همواره در پناه طرفداران خویش. این، بزدلی نیست. نگرانی طرفداران موسوی در این است که جنبش با زندانی شدن موسوی ضربه بخورد و به سوی رادیکالیزه شده پیش رود و دامنه‌اش کاهش یابد. خود موسوی این ارزیابی را از خویش دارد که می‌تواند یک راه بدون خونریزی را به سوی تغییرات بگشاید. پس از آن خود مردم هستند که باید تصمیم بگیرند می‌خواهند در کدام نظام زندگی کنند.

## زبان مشترک داخل و خارج

برای نخستین بار پس از انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹، اپوزیسیون ایران در خارج یک زبان مشترک با نیروهای خواهان تغییر در داخل کشور یافته است. این زبان مشترک سبب به وجود آمدن امکاناتی شده است که تا مدتی پیش تصورناپذیر بودند. در صورتی که موسوی و کروی دستگیر شوند، خواه ناخواه هدایت جنبش سبز از خارج کشور صورت خواهد گرفت. ابتدا از تهران اعلان خواهد شد که یک کمیته پنج نفره، که نام افراشد هنوز افشا نشده است، به عنوان رهبری جایگزین در تبعید، امر هدایت را در دست خواهد گرفت. این حرکت نمادین گویای بسیاری از چیزها در کشور است که ترس از جاسوسان خارجی تقریباً و سوسه همیشگی به شمار می‌رود. به این ترتیب موسوی به رژیم هشدار می‌دهد: حواستان را جمع کنید! اگر مرا دستگیر کنید، راه مسالمت‌آمیز به سوی تغییرات بسته خواهد شد.

در تبعید، دشمنان سخت پیشین با یکدیگر آشتی کرده‌اند. سلطنت‌طلب‌ها اهمیت خود را از دست داده‌اند و مبارزان یک جمهوری سکولار انتقادهای خود را به موسوی خیلی به نرمی ادا می‌کنند. برخی سران برجسته اصلاحات در حال حاضر در غرب بسر می‌برند، از جمله وزیر پیشین ارشاد عطاءالله مهاجرانی در لندن، محسن مخملباف کارگردان در پاریس، و محسن کدیور اصلاح‌طلب دینی در آمریکا.

کدیور که در حال حاضر به تدریس در یک دانشگاه آمریکایی مشغول است از «بورژوازی ایران» می‌خواهد تا «امکانات به راه انداختن یک تلویزیون ملی و مستقل» را فراهم آورد. او معتقد است «هزینه‌های یک رسانه سبز باید از سوی سرمایه‌گذاران ایرانی تأمین شود» و زنان ایرانی باید در یک اقدام میهن‌دوستانه جواهرات خود را در اختیار یک رادیو و تلویزیون ماهواره‌ای با اصالت ایرانی بگذارند که نمی‌شود سانسورش کرد. برای چنین رسانه‌ای در حال حاضر در چهار کشور فعالیت می‌شود. مهدی جامی در آمستردام به عنوان رییس پیشین رادیو فارسی زبان زمانه تجارب بسیاری در زمینه کار با وبلاگ‌نویس‌ها دارد و حالا می‌خواهد یک ژورنالیزم شهروندی به عنوان «نسل جدیدی از تلویزیون» راه بیندازد و ایرانیان جوان را که فیلم‌های خود را در یوتیوب قرار می‌دهد تشویق کند تا یک عرصه ملی را سامان دهند.

نقطه قوت و نقطه ضعف جنبش سبز، هر دو، اتفاقاً در همین شبکه‌ای بودن، چندصدایی بودن و انتزاعی بودن آن است. یک صدای روشن وجود ندارد که بتواند درباره مذاکرات اتمی که از اول اکتبر به جریان افتاده‌اند، یک موضع مشخص بگیرد. این نگرانی که احمدی‌نژاد بتواند مشروعیتی را که در داخل ایران از آن بی‌بهره است در خارج تأمین کند، در نزد کسانی که حتی با گفتگوها نیز موافق هستند، وجود دارد. پیرامونیان موسوی بر این عقیده‌اند که «هر آنچه اکنون بر سر آن توافق می‌شود، تا زمانی که از سوی دولت قانونی و جدید ایران بررسی نشود، هیچ اعتباری ندارد». خود موسوی اما هیچ تمایلی ندارد درباره این موضوع به شدت حساس وارد درگیری شود.

منبع: دی تسایت، برگردان از ال‌ا‌هه بقراط



## راههای سبز

### جنبش سبز: روز ۱۱۲

محمد ایرانی@

۱۱۲ روز از جنبش سبز میگذارد، ۱۱۲ روزی که تاریخ بشری زمانی به حساب نمیآید، اما بود روزهایی در تاریخ که مانند انقلاب مشروطه و دوران دکتر مصدق در ایران سرنوشت ساز بوده، هرچند زمان اندکی باشند.

جنبش سبز در این روزها تدارک تاریخ جدیدی را در ایران آغاز کرده که به نوعی دوره دوم مشروطیت را در یادها زنده مینماید. این روزها گرچه سرعت گذشت ولی هر روزش برای مردم داخل ایران با توجه با دردها و تلفاتی که دادند، به سان ماهی و یا سالی طول کشیده در عوض تجارب ارزشمندی را در جهت مبارزه بدون خشونت کسب کرده است. زمانی که جوانان ایرانی بخصوص تهرانی بعد از ۲۲ خرداد قد برافراشتند، هیچکس در داخل و خارج ایران فکر نمیکرد که جنبشی در حال شکل گرفتن است که نه تنها ایران بلکه دنیا را تکانش داد. این جوانان که برای اولین بار در تاریخ جنبشهای ایران شامل دختران و پسران بطور مساوی بود، همدوش یکدیگر دست بدست هم داده، آماده مبارزه ای جهت کسب آزادی و دموکراسی شدند. اولین شعار؛ رای من کجاست؟! چنان درست انتخاب شد که اهمیت رای را بالاتر از هر فرد مورد انتخاب قرار میداد، این شعار هنوز اعتبار داشته و بنظر تا بمرورسین مبارزه بر علیه رژیم جنایتکاری که از هیچ جنایتی برای بقای خویش ندارد اعتبار خود را حفظ خواهد کرد. رای من سرعت شخصیت انسانی که آزاد به دنیا میآید و باید آزاد زندگی کناد تبلور یافته، نماینده و نمود جنبش برای آزادی و استقلال کشور ایران گردیده است. جنبش سبز بطور خودجوش مثل خیلی از جنبشهای آزادیخواهی با اتکالی به خود و بدون همراهی هر سازمان و نهادهای از داخل، بدون هیچ همراهی از طرف هر نهاد یا کشور خارجی حرکت خود را آغاز نمود، جالب اینکه کشورهای غربی بخصوص آمریکا منتظر پایان انتخابات و نشستن بر میز مذاکره بودند. از همان روزهای اول جنبش با ددمنشی و وحشیگری دولت کودتا به ریاست رهبر جانی روبرو شد ولی حماسهآیاز خود به یادگار گذشت که نه تنها مردم شهرهای مختلف ایران، بلکه دنیا را تحت تاثیر خود نهاد. حماسه ندها، سپاوش ها، ... به سرعت برق در همه جا به کمک اینترنت و موبایل منتشر گردید و همه را مبهوت حرکت خود گردانید. رژیم در داخل و جنبایت در خارج و خارج پیک میکشید و بنظر خود برنده بود، ناگاه خود را در مقابل جنبشی جوان دید که توارثی از مقابله نداشت و فقط به آزادی میانیدید. رژیم کودتا همانطور که با آموزش روسهای همیشه چشم داشت به ایران، با سرکوب از ادبخواهان بقدرت رسیده بود، سعی کرد با همان روشهای تکراری منتهی بشکل وحشیانه تری جلوی جنبش را بگیرد، ولی اینبار کار متفاوت بود.

۳۱ سال از عمر جمهوری اسلامی گذشت، حکومتی که بارها و بارها پله عوض کرد، بسیاری از افرادی که در تاسیس ان نقش داشتند یا در میدان جنگ کشته شدند، پس از جنگ منفعل شده، پایه مردم عادی پیوستند و تعدادی از آنها که سعی در دگرگونی و رسیدن به حداقل خواستهای ابتدائی داشته شروع به مخالفت نمودند، به اسارت در زندانها و محدودیت برای عدم کار شدند، همزمان گروه کثیری مجبور به جعلی وطن گردیدند. از ان طرف بودند سران جمهوری که با اخذ قدرت سعی در انداختن منافع شخصی نمایند، که در راسش آقای رفسنجانی قرار داشت که به قدرت اصلی تبدیل شد. آقای خامنه ای خونخوار که با وجود لقب رهبری خود را بازیچه دست رفسنجانی دیده دستش از قدرت سیاسی و اقتصادی قطع بود، تلاش نمود به کمک سائر افسران مخالف مثل بند عسکر اولادی، شورای نگهبان و تعدادی از روحانیون و فرماندهان فاسد سپاه و بسیج که خواستار سهمی از سود بودند، به مرور قدرت خود را در نهادهای مختلف حاکمیت مستقر و توانستند در سالهای آخر دولت اصلاح طلبان به قدرت برتر تبدیل شوند. متأسفانه اصلاح طلبان حکم مثل آقای رفسنجانی نتوانستند، این دگرگونی را دریافته و زمانی به صرافت افتادند که دیگر رهبر جانی توانست عروسک نوکر صفت خود را در راس حکومت بنشانند. رژیم جنایتکار ۴ سال دیگر وقت لازم داشت که همه ارگانهای حاکمه از قوای ۳ گانه دولت، مجلس اسلامی و خبرگان، سپاه و بسیج و نیروی انتظامی را کاملاً زیر نفوذ خود بگیرد و خود را برای کودتای نهائی آماده کند. اینجا بود که همگان فهمیدند کسی جز خامنه ای قدرت مطلق نبوده و به قول شریعتمداری جانی رژیم کودتا داخل ماشینی نشسته اند که فرمانش بریده و در جاده یک طرفه رو به جلو میرود و سر راهش هرچه مخالف باشد، از بین میرود.

در مقابل این سالها جوانهای جنبش بودند که سالهای اخیر در مدارس رشد کرده و در تمام دوره نوجوانی از هرچه دوست داشتند، محروم و محکوم به زندگی با همون شرایط بودند که به دست جوانهای ۳۱ سال پیش برایشان به ارث گذاشته شده بود، در عرصه سیاست و اجتماع گذاشتند. جوانهای جدید که ممنوع از هرگونه تفریح و آزادی حتی در پوشیدن لباس و حفظ ظاهر یا دوستی ساده دختر و پسر نبوده، مواجه با ناتوانی در عدم تغییر قوانین توسط روشهای جوانان قدیمی شدند. در عوض دیدند که دولت و سپاه فاسد و سودجو برای نابودی آنها همجور مواد مخدر و غیره را به فراوانی آزاد گذاشته است. زمانی که جوانان به کمک وسایل مخابراتی، تصویری و اینترنت قادر است به راحتی پیشرفت سایرملل را دیده، با نحو مبارزاتی آنها برای رسیدن به آزادی آشنا شهر. رژیم که فکر همه عوامل را نموده و به خیال خود به راحتی احمدینژاد قاتل را در راس دولت میگذارد، بجای دیدن مخالفت های زودگذر قبلی رفسنجانی و .. با جنبشی روبرو شد که توانست آقایان موسوی و کروبی را همپای خود بکشند. جوانان زمانی که مشاهده نمودند رژیم به صورت به میدم مبارزه بیبایدن و قبحانه ای رای آنها را زدیده و آنها را تحقیر مینماید، شعله ای در میانشان دمید تا بتوانند برای تنها چیزی که مالکش بودند، یعنی رایشان، به میدان مبارزه بیایند. این جوانان دیگر چیزی نداشتند که ترس از دست دانش باشند و

### شیرازی ها مجسد آتشیها را سبز کنید

عطاء اله مهاجرانی

وظیفه مردم شیراز و جوانان شیرازی و دانشجویان است که باز هم مثل همان سال ها مسجد آتشیها را که امروزه رونق بسیاری یافته است، با حضور خود سرشار از گرمی و حماسه کنند. ای آتشی آفرخته در بیشه اندیشه ها...

عطاء الله مهاجرانی

"مسجد آتشیها" در نزدیکی شاهچراغ، به قول شیرازی ها سردزک، مسجدی بود کوچک، اما گرم و سرشار از حضور جوانان. آیه الله سید محمد علی دستغیب امام جماعت مسجد بود و مسجدش کانون حضور جوانان. برای ما دانشجویان آن روزگار آیه الله دستغیب نشانه ای از همان صمیمیت و صداقت و یکرنگی و وفایی بود که از دین و آیین انتظار داشتیم. صدایی آرام و نگاهی مهربان. انقلاب با شعار آزادی و عدالت آغاز شد و آن شعارها در ساختار قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی به گمان ما شکل گرفت.

بسیاری به علت یا دلیل موقعیت تازه ای که در حکومت یافتند، اندک اندک از آن شعارها کمتر دم زدند و یا دم فرو بستند. مصلحت نظام مثل جذام ریشه های آن شعارها را بلعید و هل من مزید زد. جای آرمان، مصلحت نشست و جای ارزش های دینی، حفظ نظام ارج و اعتبار پیدا کرد. مثل همه انقلاب ها، حقیقت انقلاب در برابر واقعیت ها تسلیم شد. آرمان تبدیل به کابوس شد.

مثل همه ما که در برابر کشتار جوانان در سال 1367 ساکت ماندیم. گمان می کردیم شرایط جنگ و تهدید خارجی می تواند مجوزی برای چنان جوان کشی باشد، که در تاریخ ما کمتر نظیری برای آن می توان یافت.

آن روزها تنها یک صدا از سراسر مسئولان کشور و نظام برخاست. صدای آیه الله منتظری، به جوان کشی اعتراض کرده، و از موقعیت سیاسی که داشت برکنار شد. در برابر اقدامی که او کرد آن موقعیت سیاسی که ارزش و اعتباری نداشت. به تعبیر امام علی علیه السلام حکومت برای احقاق حق است و گرنه بی بها تر از آب بینی بز است!

به قول مولوی:

آن میر دروغین بین با اسپک و با زینک  
شنگینک! سربسته به زینک

آیه الله منتظری برای نسل ما و نسل هایی که از راه می رسند، یک حجت است. حجتی که با صدای رسا می گوید، می توان در برابر ستم ایستاد و کلمه حق را بر زبان آورد. امروز دیگر صدای آیه الله منتظری- که به تعبیر دقیق و به هنگام دکتر بشیریه، رهبر معنوی جنبش سبز ملت ایران است- تنها نمانده است. صدای آیه الله سید جلال طاهری در قم و صدای آیه الله سید علی محمد دستغیب در شیراز بازتاب هایی از همان فریاد است. این صدا از ژرفای فطرت دینی و انسانی می جوشد. کدام فطرت انسانی ست که ستم را می پذیرد و بندتر از آن توجیه کننده ستم و سرکوب می شود؟

اطلاعیه ای دیدیم که عده ای نامه ای به مقام رهبری نوشته اند و از سخنان آیه الله دستغیب برانگیزه شده اند. آن نام و نشانها که گروه نخستن انمه جمعه هستند که تمام کارمندان دفتر رهبری محسوب می شوند. گروه دوم فرماندهان سپاه هستند که برخی از آنان با دین و انقلاب در همان مسجد آتشیها و از طریق آیه الله دستغیب آشنا شدند. گروه سوم هم مسئولان دولتی...

به تعبیر قرآن مجید: فاما الیذ فیذهب جفاء و اما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض (رع/17) کف ها به کناری می رود و چهره صاف و تانناک آب پدیدار می شود.

در برابر این اطلاعیه، وظیفه مردم شیراز و جوانان شیرازی و دانشجویان است که باز هم مثل همان سال ها مسجد آتشیها را که امروزه رونق بسیاری یافته است، با حضور خود سرشار از گرمی و حماسه کنند. بگذاریم صفوف نماز جماعت مسجد آتشیها تا کوچک و خیایان امتداد یابد. تا همه بدانند، روحانی شجاع و حقیقی که از مردم و آزادی و عدالت حمایت می کند تنها نمی ماند.

در اصفهان پیش از انقلاب، امام جمعه رسمی که نماز می خواند، ماموینش چهار پنج نفر بیشتر نبودند. نماز جمعه آیه الله طاهری در مسجد حسین آباد غلغله جمعیت بود و نیز نماز جمعه آیه الله غروی در خارج شهر اصفهان در کارخانه چوب بری!

آیه الله دستغیب از ستارگان سبز جنبش ملت ایران است. در برابر تنگناهایی که نظام برای ایشان ایجاد می کند، و این اطلاعیه بروشنی نشان داد که در پس چنین کاری سرانگشت دستگاه های اطلاعاتی و نظامی پدیدارست. وظیفه ماست آیه الله دستغیب را یاری کنیم. با همان نمازی که در مسجد ایشان برگزار می کنیم... با حضورمان می گوئیم که او تنها نیست و نویسنندگان آن نامه ماموران معزورند

عنوان از روزنامه سبز





بودند، بنظر میرسد روس اگر طرح کوتاه آمدن دولت کودتا را نریخته بود، حداقل از آن خبر داشته است. روس ها با بردن غنی سازی به کشور خود علاوه بر کنترل بیشتر رژیم، به تجارت پر سودتر علاوه بر فروش تکنولوژی عقب مانده در قراردادهای قبلی نفی و اسلحه خواهند رسید.

جنبش سبز در داخل و خارج باید مراقب باشد، همانطور که فقط به تکیه بر نیروی خود یا به عرصه مبارزات بی خشونت جهت رسیدن به دموکراسی و آزادی نهاده اند، باز هم فقط باید به خود اتکا نموده و بدانند یک مبارزا طولانی در پیش داشته میباید بعد از حذف مشروعیت نظام، نوبت فلج سازی به کمک گسترش جنبش در همه شهرهای ایران، همه اقصای و اقوام با کم کاری و اعتصابات میباید طبعاً رشد آگاهی و آموزش مبارزات بی خشونت در کشورهای دیگر، اولویت همچون اعتراضات و فرسایش رژیم داشته و نگاه به تاریخ ۳۱ سال نظام، به عنوان

تاریخ گذشته، همچون چراغی برای رسیدن به آینده ای روشن لازم است. به موازات حرکت ایرانیهای داخل که بطور مستقیم درگیر خشنترین رژیم فعلی جهان بود و همه زندگی خود را در این مبارزه گذاشته و همچنان خواهند گذاشت، بر ایرانیهای خارج است که با فشار به سازمان ملل و باقی سازمانهای حقوق بشر ازین ضعف دولت کودتا استفاده کرده، درخواست توقف سرکوب، آزادی زندانیان و سایر ادبای مندی گردیده پیگیری پروندههای مربوط به نسل کشی دولت و رژیم فاشیستی در اولویت گرا دهند. در ضمن فشار به دولتهای غربی برای ادامه پیگیری حقوق بشر در کنار توقف غنی سازی از واجبات میباید.

**به امید پیروزی جنبش سبز**

### کودتا چپان به سیاست سرکوب ادامه می دهند:

#### اعدام، زندان، پلیسی کردن مدارس



کودتا چپان به سیاست سرکوب خود ادامه می دهند.

فرماندهان نظامی جنبش سبز را به انجام کودتای سفید متهم

می کنند، خبر می دهند که پلیس بطور گسترده در مدارس حضور می یابد، برای

تظاهرکنندگان به اتهام طرفداری از سلطنت و مجاهدین حکم اعدام و زندان صادر می کند ...

در ادامه اظهار نظر های سیاسی فرماندهان نیروهای مسلح، چند مقام نظامی حامی احمدی نژاد اصلاح طلبان را مورد حمله قرار دادند. این نظامیان همزمان با توصیف سال های اصلاحات به عنوان دورانی "سیاه" و یا "کودتای سفید"، نسبت به فعالیت های کنونی جنبش سبز ابراز نگرانی کردند. همزمان معاون فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح کوشید نیروی انتظامی را از خشونت های کهریزک تبرئه کند.

جانشین ولی فقیه در سپاه روز گذشته انتخابات ریاست جمهوری را بهانه ای برای "تبلور اغتشاشات" در کشور دانست که از قبل برنامه ریزی شده بود. او با "فتنه" خواندن جنبش سبز نسبت به فعالیت های آن هشدار داد و گفت: "ناید مراقب باشیم زیرا هنوز کشور به طور کامل از فتنه خارج نشده است و این فتنه خاموش هنوز ادامه دارد و سران فتنه قصد دارند در مناسبت های مختلف کار خود را ادامه دهند." "مجتبی ذوالنور از برخی "خواص" سخن گفت که "در این فتنه ها با رفتار و گفتار و حتی سکوت خود بدر تردید را در میان مردم کاشتند و به نفع دشمنان قدم برداشتنند یا از عمق فتنه آگاهی نداشتند و یا برای دشمنان کار می کردند." حامیان دولت در هفته های بعد از انتخابات معمولاً در انتقاد از هاشمی رفسنجانی و روحانیون محافظه کار منتقد دولت، آنان را "خواصی" توصیف کرده اند که همسو با دشمنان حرکت کرده اند.

سیاست کودتاچیان برای مقابله با "کودتای سفید" تدارک نظامی - امنیتی جدیدی تدارک دیده اند.

نزديک به بیست نفر از زندانیان معروف به کف خیابانی ها که در حوادث اخیر دستگیر شده، برای اعتراف علیه خود تحت فشار قرار گرفته و در دادگاه سوم محاکمه شده بودند، به حبس از شش ماه تا پنج سال و در یک مورد به 74 ضربه شلاق محکوم شدند.

یک منبع مطلع در ایران که خود جزء دستگیر شدگان روزهای بعد از انتخابات است، در گفت و گو با روز دربار زندانیانی که در سومین دادگاه، به نام "کف خیابانی ها" خوانده شده و مورد محاکمه قرار گرفتند، می گوید: بیشتر این افراد، آدمهای معمولی و غیر سیاسی هستند که در روزهای اول حوادث بعد از انتخابات از خیابان ها دستگیر شدند و قبل از انتقال به زندان اولین دست قرار گاه ژانر الله یا بسیج بودند و معمولاً پس از انتقال به اوین هم آثار کتک و فشارهای جسمی بر آنها قابل دیدن بود.

برای افرادی هم که "سیاسی" و وابسته به "گروهکها" خوانده شده اند، حکم اعدام صادر شده تا به نوشته روز آن لاین معترضان به انتخابات مرعوب شوند.

اعلام برنامه پلیس ایران برای حضور گسترده در مدارس برنامه دیگر کودتاچیان است. سرتیپ عزیز الله رجب زاده، فرمانده انتظامی تهران بزرگ در مراسم نواختن زنگ انضباط اجتماعی در دبیرستان البرز گفته است: "پلیس های مختلف از جمله پلیس مواد مخدر و پلیس اجتماعی حضور مستمر و ملموس در مدارس مختلف دارند. مدرسه بهترین نهاد برای ماندگار شدن نظم و انضباط اجتماعی است.

به گفته رجب زاده، پلیس اجتماعی و مواد مخدر در مدارس حضور مستمر دارند. پلیس به این نتیجه رسیده است که بدون مشارکت شهروندان قادر به امنیت همه جانبه نیست. به همین منظور پلیس تصمیم گرفته از گروه های دانش آموزی برای رسیدن به این هدف

به ناچار آماده شدند با دست خالی با رژیم دهنش مبارزه کنند، چه دیگر بدون تنها عنصر آزادی یعنی رای، دیگر جان عزیزشان مطرح نبود. اینبار جوانان بودند که خواه ناخواه در جاده ای یکطرفه داخل ماشینیه که فرمانش بریده بود قرار داشته و میبایست برخلاف رژیم کودتا که تمام نیروها، سلاح ها، زندانها، قوه و... به علاوه کشورهای خارجی بخصوص روس و چین در دستشان بود، به مبارزه بی خشونت متوسل شوند. این چنین بود که حماسه ۲۲ خرداد ایجد و بعد از ۱۱۲ روز همچنان با قدرت پیش میروند تا ستون فقرات رژیم یعنی سپاه که همه قدرت اقتصادی، سیاسی، نظامی و... را دارد، در هم بشکند.

جنبش سبز از اعتراضات خیابانی شروع و کم کم اعتراضات را در سطح جامعه و شهرهای مختلف گسترش داد. رژیم با گرفتن، زندانی، تجاوز، کشتن جوانان و زندانی کردن اکثر سیاسیون شناخته شده مقابله کرد، ولی با گسترش حرکت جنبش زندانیان را پر شده از جوانان دید بی آنکه اعتراضات متوقف شود. هرچه رژیم کودتا به شدت خشونت میافزود، جوانان بیشتری که اکنون به همراه خانوادههایشان گسترش پیدا کرده

بودند، تظاهرات بیشتری در تهران و سایر شهرهای بزرگ تدارک دیده و توانستند مشروعیت نظام را در داخل و خارج زیر سال ببرند. ایرانیهای مقیم خارج که هویت ایرانی خود را به خاطر حماسه داخل بدست آورده بودند، مانند بدنه جنبش آغاز به تظاهرات عمیق و همه جانبه علیه دولت کودتا نمودند. زلزله ای که در داخل ایجد شد همه ایرانیهای خارج را برای اولین بار بطور هماهنگ در تمام شهرهای که ایرانیها در آن

زندگی میکردند به حرکت در آورد. کشورهای جهان که شیفته و مهیوت ازین تهور جوانان داخل ایران شده بودند با پیگیری اخباری که از داخل ایران و همچنین از افشاکرهای ایرانیهای مقیم خارج بدست میآوردند، حمایت خود را از جنبش اعلام نموده و دانستند رژیم انتری که ادعا میکند پاک نبوده و صاحب قدرت مطلقه نیست، سازمانهای حقوق بشر

ورژنهای سازمان ملل و مشابه که با وجود مدارک زیادی از شکنجه، زندانی و کشتن معترضان، دانشجویان، زنان مبارز، نویسندگان، شعرا، کارگران در سالهای قبل و بخصوص سالهای ۶۰ و ۶۷ داشته ولی نتوانسته بودند مفاسد رژیم جانی را در سطح وسیعی افشا کنند، در مقابل حجم عظیمی از مدارک، تصاویر و... قرار گرفتند که انکارش از انکار هولوکاست که سالها قبل اتفاق افتاده بود به مراتب مشکلتر مینمود. اعتراضات دانشجویی متعدد و محدود، کمپین ۱ میلیون امضا، اعتصابات کارگری بخصوص شرکت واحد و... در سالهای گذشته تبدیل به جنبشی بزرگ از نوع سبز شده بود که عنصر اصلیش، تداومش بود.

رژیم کودتا هر چه نویسنده، روشنفکر، دانشجو، زنان مبارز و... و افراد سیاسی اصلاح طلب گذشته را میشناخت به زندان انداخت تا جنبش بایستد. رژیم کور نمیفهمید حداقل ۶۰٪ نیروی جوان مملکت چه نیروی عظیمیست که وقتی حرکت کند، سر باز ایستادن ندارد و مانند بدی میماند که مداوما بوزد شکنجه، اعتراف و قتل معترضان اگر در سالهای گذشته بس افسردگی، انفعال نیروهای سیاسی میگردد، اکنون به زد خود تبدیل شده تاثیر مثبت بار جنبش داشته و ترس را از رژیم کمتر میکند. رژیم حاکم با تمام تجربیات گذشته سرکوب فعالین و با کمک سازمانهای مخوف روسی، هرچه خشونت داشت عرضه نمود ولی جنبش سبز مانند درخت پربارتر و داری ریشههای عمیقتری در اجتماع بدون رهبریت هر می خود را گسترش داده و بهار سرکوب با نیروی بیشتری به میدان میآمد. اینطور بود که رهبر جانی که دانسته بود نیروهای جنبش را سرکوب کرده، در کامل تعجب قدرت

جنبش سبز را اینبار نه تنها در تهران بلکه در اکثر شهرهای بزرگ در روز قدس مشاهده کرد که به میدان مبارزه آمده اند. چنین بود که رژیم فهمید قدرت سرکوب جنبش را نداشته و چنین بود که این روز نقطه عطفی در تواریخ جنبش گردید. بنابراین کودتاگران که از داخل و خارج توسط ایرانیها افشا شده بودند، مشروعیت کامل نظام را مقابل مردم ایران و کشورهای دیگر از دست دادند. لذا رهبر ناتوان در صدد برآمد به کمک افروا بسته به قشر حاکمیت مثل اصولگرایان ناراضی از دولت فعلی و امثال رفسنجانی، ناطق و نشده ر... و به کم کردن فشار بطور ظاهر دست زده و آنها بتوانند جلوی اعتراضات را بگیرند. البته اگر

در سالهای دولت اصلاح طلبان، رژیم بعد از افشای قتلهای زنجیره ای، مهره های مثل سعید امامی را فدا نمود، اینبار چون مهره ای مثل زنجیر بهم وصلند، دیگر نمیتواند کسی را فدا کند، تنها چهره های معروف قاتل را با ارتقای مقام به پشت صحنه منتقل میکند و در عوض سرکوب حرکتهای جنبش را نیز عدم میدهد.

جلسه اخیر سران دولتها در سازمان ملل، ضعف دولت کودتا را برای کشورهای غربی عیان نمود، دولتهای غربی دانستند که میتوانند با فشار برین دولت ضعیف شده توسط جنبش، امتیازهای بیشتری از قبل بگیرند. این دولتها دیگر یادی از حقوق بشر در ایران نکرده و یا انرا از اولویت انداخته اند، دیگر ندانند از یا رفت و فقط به توقف غنیسازی فکر میکنند، اینان فراموش میکنند که اگر دولت کودتا در حال حاضر کوتاه بیاید، باز هم قابل

اعتماد نیست. چه رژیم کودتا و چه دولتهای غربی نباید فراموش کنند که ضعف حاکمیت فعلی ایران و شانس فعلی دولتهای غربی برای مذاکره، ناشی از حرکت حماسی جنبش سبز بود بدانند که این جنبش اعتراضات خود را ادامه نداده که آنها فقط به توافق بهم برای غنی سازی برسند. جنبش حق خود را پس از پیروزی برای به رسمیت شناختن همه توافق ها قابل بوده و در ضمن دولتهای غربی نفرت از جنبش را برای خود به ارمان

میاورند. کودتاگران با توافق با دولتهای غربی در صددند به جنبش بافاهامانداک غرب حامی آنها نبیند با رژیم همکاری خواهد کرد و رژیم فرصت خواهد کرد که با فرق بال به سرکوب جنبش بپردازد. البته دولت کودتا برای توافق باید قید شعار اصلی خود برای غنی سازی را زده و در نتیجه دوستان زیادی را در داخل از دست میدهد، چنانکه دوستان دیگری مثل حماس و حزب اله را نیز باید کنار بگذارد، در صورتی که زندگی کودتاچی بابحران ادامه داشته، لذا امکان عدم توافق نیز وجود دارد. جالب است که در سازمان ملل

روس و چین به دلیل گرفتن یک سری امتیازهای نیز با کشورهای غربی هماهنگ



### عقب نشینی در خارج، سرکوب در داخل

بهرام پرتوی @

حاکمیت که پس از کودتا با موج روز افزون اعتراضات داخلی مواجه شده و مشروعیت خود را از کف داده، با کرنش و یک عقب‌گرد بزرگ در رابطه با مسئله ی اتمی در پی تهدیدات امریکا و اروپا تصمیم به انتقال غنی سازی به خارج از کشور و خرید اورانیوم غنی شده گرفته است. این تصمیم زمانی گرفته شد که کشور در این سالها از تحریم های گوناگون لطمات جدی را متحمل شده است.

البته لازم به ذکر است که حکومت سرکوبگر از آنجا که هم به مردم خود و هم به جهانیان دروغ گفته و میگوید ممکن است در عین تقبل این عقب نشینی دست از عملیات پنهانی خود در رابطه با آماده سازی زمینه های تولید تسلیحات هسته ای بر نداشته، که به خیال خود دارای سپر حفاظتی برای حفظ رژیم خود گردد.

جدای از این، عقب‌گرد جدی اخیر ریشه در موج اعتراضات گسترده و رو به رشد مردمی دارد که هر روز ابعاد جدی تری یافته و طیف های گوناگون بیشتری از محرومان و زحمتکشان را بخود جذب مینماید.

رژیم کودتا می‌کوشد تا با فرصت رهایی از فشارها و تهدیدات خارجی، حتی به قیمت دادن امتیازهای جدی به مقابله و سرکوب جنبش مردمی بپردازد. همزمان با بازگشایی دانشگاهها و مدارس حاکمیت کودتایی که از هر گونه تجمع وحشت دارد؛ با احضار و بازداشت و اخراج دانشجویان و سرکوب اعتراضات کارگران و معلمان و... می‌کوشد از تشدید جنبش اجتماعی جلوگیری و انرا سرکوب نماید.

در روزهای اخیر با صدور احکام اعدام و زندان برای بازداشتیان و تهدید و زمینه چینی جهت بازداشت سران جنبش اصلاحی، رژیم در صدد است که در مقابل عقب نشینی از مواضع خود در عرصه ی جهانی و دادن امتیازها در داخل با تشدید سرکوب موقعیت لرزان خود را تثبیت نماید. غافل از آنکه مردم ایران و جنبش مدنی آنان چشم امید به خارج از کشور نداشته و تنها با همیاری و همکاری کلیه ایرانیان از ادبخواه و عدالت جو به راه خود تا پیروزی نهایی بر استبدادیان ادامه خواهند داد.

### لیبراسیون: رمز چرخش ایران

چرا ایرانی‌ها ناگهان، پس از این همه سال یکدنگی و بالا بردن قیمت شان در مزایده حتی تا آخرین روزهای پیش از آغاز مذاکرات پنجشنبه در ژنو، با قدرت های بزرگ از در انعطاف وارد شدند؟ چگونه می‌توان این مسئله را فهمید و توضیح داد؟

پاسخ به این سوال به اختلاف نظر میان پایتخت های اروپایی دامن زده است. آنچه که در ژنو اتفاق افتاد دقیقاً باز شدن یک روزنه بود، روزنه ای که گرچه بخودی خود متضمن هیچ چیز نیست اما ابعاد آن همانقدر که نامنتظره است نوید بخش نیز هست، نه فقط به این خاطر که این مذاکرات امکان تماس مستقیم دیپلمات های آمریکایی و ایرانی را پس از سی سال فراهم آورد بلکه همچنین از این جهت که مذاکرات تا پایان این ماه [ اکتبر ] از سر گرفته خواهند شد ضمن آنکه ایران متعهد شده است که روز 25 اکتبر درهای تاسیسات هسته ای مخفی خود در قم را به روی بازرسان آژانس بین المللی انرژی هسته ای که تهران اخیراً میزبان مدیر آن بود، بگشاید.

این مذاکرات بیشتر از این جهت نوید بخش بود که ایران پذیرفت غنی سازی ذخیره اورانیوم خود یا به تصریح یک مقام آمریکایی "بخش عمده" آن را به روسیه محول کند. همانطور که در واشینگتن گفته می‌شود با قبول این مسئله از سوی ایران "گامی مهم" برداشته شده است زیرا قطعاً روس ها این اورانیوم را که در ایران تا زیر 5% غنی شده است تا حدی غنی خواهند کرد که صرفاً کاربرد صلح آمیز داشته باشد به خصوص آنکه این اورانیوم پس از غنی شدن در روسیه به فرانسه فرستاده خواهد شد تا در آنجا دستکاری های لازم برای آنکه ایران نتواند از آن در ساخت بمب استفاده کند به عمل آید. اما قطعی شدن نتیجه این اقدامات اساسی که "تدابیری برای اعتماد سازی" نامیده می‌شود بستگی به آن دارد که ایران حسن نیت خود را در عمل نشان دهد. ایران باید واقعاً تلاش کند از میزان نگرانی هائی که برنامه هسته ای آن برانگیخته بکاهد و برای این کار باید بخش عمده ذخیره اورانیوم خود را در اختیار روسیه و فرانسه قرار دهد تا این دو کشور اقدامات لازم را برای ممانعت از پیش روی ایران در مسیر ساخت بمب در دراز مدت انجام دهند.

مقدار این اورانیوم چند کلو باید باشد؟ قاعداً ایران باید 1200 کیلو از ذخیره 1600 کیلوگرمی اورانیوم امروز خود را به روسیه و فرانسه تحویل دهد اما از آنجا که ایران تا این لحظه رسماً هیچ تعهدی در این زمینه نداده است تنها توقف کامل عملیات غنی سازی از جانب این کشور می‌تواند ضامن چشم پوشی قطعی ایران از جاه طلبی های هسته ای باشد.

گرچه این امر هنوز محقق نشده است اما گام های مهمی برداشته شده است، گام هائی که

به گفته رجب زاده، پلیس اجتماعی و مواد مخدر در مدارس حضور مستمر دارند پلیس به این نتیجه رسیده است که بدون مشارکت شهروندان قادر به امنیت همه جانبه نیست. به همین منظور پلیس تصمیم گرفته از گروه های دانش آموزی برای رسیدن به این هدف استفاده کند.

به گفته فرمانده انتظامی تهران بزرگ در حال حاضر شش میلیون همیار پلیس در سراسر کشور با پلیس همکاری می‌کنند.

**رئیس سازمان ترافیک شهرداری تهران هم از آغاز فعالیت 16 هزار دانش آموز، در قالب پلیس مدرسه، برای محافظت از ایمنی عبور و مرور دانش آموزان، به مدت یکسال خبر داد.**

سید جعفر تشکری هاشمی با اشاره به فعالیت دانش آموزان پلیس در بیش از 3700 مدرسه در تهران، تصریح کرد: پلیس های مدرسه برای مراقبت از ایمنی دانش آموزان مقاطع ابتدایی و راهنمایی از میان دانش آموزان همین رده، انتخاب می‌شوند.

وی افزود: این دانش آموزان بعد از انتخاب تحت آموزش قرار می‌گیرند و با لباس و تجهیزات مخصوص پلیس جلو در مدارس فعالیت می‌کنند.

رئیس سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران سرانه پلیس هر مدرسه را 4 نفر عنوان کرد و گفت: در صدد افزایش این سرانه به تعداد 5 نفر برای هر مدرسه هستیم که با این وجود تعداد پلیس های مدرسه به 20 هزار نفر افزایش می‌یابد.

وی در پاسخ سوالی در خصوص نتایج اجرای این طرح گفت: ارزیابی ها از اجرای طرح نشان می‌دهد که اجرای آن در افزایش ایمنی دانش آموزان و کاهش حوادث ترافیکی مقابل مدارس، نقش مثبتی داشته است.

سه مقاله زیر جنبه های گوناگون سیاست داخلی و خارجی کودتاچیان را مورد بررسی قرار می‌دهد.



### امروز سلطنت طلبان، فردا ساختار شکنان

ناصر کاخسان

دولت دینی در ایران، از تابوی سلطنت سود می‌جوید تا از راه صدمه زدن به آسیب پذیرترین گروه های انسانی، نیاز خود را به کشتن، ارضاء کند. این شیطنت کهنه ی دیکتاتورها را در پائین خواهم شکافت. اما پیشتر بگویم که آذیخواهان در دفاع از هموطن هوادار رژیم پادشاهی، که از جانب ارتجاع به اعدام محکوم شده است، دچار کمترین تردید نمی‌شوند. گاه روی بدن پسران و دختران تجاوز دیده به آذیخواهان تجاوز می‌شود و گاه آنان با نفی جسمی مخالفین سیاسیشان نفی می‌شوند.

معیار شناخت مناسبات انسانی در جامعه ی مدنی، «تفاهم ارتباطی» است. حدود تفاهم ارتباطی، در برخورد حکومت با گروه های نهائی، مشخص می‌شود. گروه نهائی، گروهی است که حامل فکر نهائی، یعنی مارژینال، است. فکر نهائی فکری است که در اقلیت و در لبه ی پایانی مناسبات اجتماعی یا فرهنگ سیاسی قرار دارد و اختلاف نظر در باره ی آن در جامعه به نحو گسترده ای وجود دارد یا می‌تواند وجود داشته باشد. یعنی در شرایط اجتماعی ویژه، متنازع فیه است. گروه های نهائی در شرایط گوناگون سیاسی تغییر می‌کنند. هر چه رژیم سیاسی فاشیستی تر باشد، گروه های نهائی بیشتری بوجود می‌آید. گروه های نهائی اکنون زیر حاکمیت ولایت فقیه از این قرارند:

- ۱- بهائیان
  - ۲- مجاهدین
  - ۳- آنتیست ها (و از جمله کمونیست ها)
  - ۴- طرفداران رژیم پادشاهی
- جای گروه های یاد شده متغیر است. اکنون با صدور حکم اعدام برای یک هموطن سلطنت طلب، جایگاه نخست به این گروه داده شده است.
- ارتجاع همیشه سعی می‌کند نهائی ترین گروه، یعنی اختلاف خیزترین را، زیر فشار یا شکنجه و اعدام قرار دهد. چرا که در مه اختلاف های درون اپوزیسیون، آنان تر می‌تواند به خشونت دست بزند. پس از انهدام نهائی ترین گروه، در صورت سکوت گروه های دیگر، به تناسب اوضاع، گروه دیگری نهائی و آسیب پذیر می‌شود.
- سال های نخست پس از انقلاب، هویدا و نصیری و... در راس گروه نهائی بودند. بعد حزب خلق مسلمان و آیت الله شریعت مداری، نهائی شد. سپس مجاهدین و بعد توده های ما...

دفاع از آزادی اکنون با شکستن تابوی سلطنت طلبی امکان پذیر است. دبروز کمونسم بود، فردا نوبت ساختار شکنان است. برای ارزیابی صداقت کسی یا گروهی یا حزبی، که ادعای تفاهم پلورالیستی با مخالفان نظری خود دارد، کافی است به برخورد او با گروه های نهائی، نگاه کنیم.

مجازات اعدام ابزار نفی گروه های نهائی است. طرفداران اعدام و شکنجه با نفی گروه های نهائی یا مارژینال، دموکراسی را نفی می‌کنند. دموکراسی، نظامی است که امنیت و جان همه ی گروه های نهائی در آن تامین است. این سادمتزین تعریف دموکراسی است.

**منبع: ایران امروز- عنوان: روزنامه سبز**



## فیلتر شکنها

[/http://earnthat.info](http://earnthat.info)  
<http://pohide.com/>  
<http://freestealthsurf.info/>  
<http://twitterproxy.in/>  
<http://investingpro.totalh.com/>  
<http://jutjut.com/index.php>  
<http://fropro.totalh.com/>  
<http://krcbscholieren.com/>  
<http://moneysports.info/>  
<http://oolu.info>  
<http://keepprivate.info/>  
<http://kuvia.eu>  
<http://aboutthere.info/>  
<http://proxy.peoplesproxy.com>  
<http://www.iclear.in/>  
<http://www.newhere.info/>  
<http://www.justmany.info/>  
<http://www.ricr.com>  
<http://spystatus.net/>  
<http://safefactor.info/>  
<http://safestweb.info/>  
<http://helpline1.co.cc/>  
<http://full.net.pl/>  
<http://meni.info>  
<http://gige.info/>  
<http://crazyblocker.info/>  
<http://fastbrowse.co.cc/>  
<http://justhidethis.info/>  
<http://cant-find-me.com/>  
<http://mymusicparty.info/>  
<http://newunblock.co.cc/>  
<http://freshproxies.co.cc/>  
<http://www.dankstank.info/>  
<http://visitanonymous.co.cc/>  
<http://www.privacynow.co.cc/>  
<http://www.premiumhide.co.cc/>  
<http://www.speedyunblock.co.cc/>  
<http://www.freestealthsurf.co.cc/>  
<http://www.alclick.co.cc/>  
<http://proxypod.co.cc/>  
<http://666prxy.co.cc/>  
<http://proxiessurf.co.cc/>  
<http://pagethem.co.cc/>  
<http://dtunn3l.co.cc/>  
<http://speed-in.co.cc/>  
<http://webswift.co.cc/>  
<http://prxydiot.co.cc/>  
<http://proxymatrix.co.cc/>  
<http://freewebsurfing.co.cc/>  
<http://onlinebypass.co.cc/>  
<http://timeforbreak.co.cc/>  
<http://surfunlocked.co.cc/>  
<http://topbrowse.co.cc/>  
<http://69proxies.co.cc/>  
<http://anonym-browsing.co.cc/>  
<http://anonymousproxyservers.info>

از نظر فرانسه و آلمان "در مسیر درست" قرار گرفته و هیلاری کلینتون آن را به "باز شدن در" تعبیر کرده است. اما سوال اینجاست که چرا این در باز شده است؟ از روز پنجشنبه هواداران سه نظریه به تقابل با یکدیگر برخاسته اند. هواداران نظریه اول که می توان گفت در اکثریت قرار دارند با سوءظن شدید به امتیاز دهی ایران می نگرند و آن را ترفندی از جانب جمهوری اسلامی می دانند. به اعتقاد آن ها ایران با ایجاد توهم در مورد باز کردن باب گفت و گو می خواهد وقت کشی کند و به هیچ وجه قصد ندارد مذاکرات را به نتیجه برساند. استدلال این گروه گرچه ساده است اما نباید آن را دست کم گرفت. به اعتقاد هواداران نظریه فوق ایران از زمان شاه در پی دستیابی به بمب بوده است زیرا این کشور شیعه فارس که یکی از سه قدرت منطقه، در کنار اسرائیل و ترکیه، به شمار می رود خواهان آنست که عظمت گذشته خود را بازیابد و کفه ترازوی تاریخ را به سود خود تغییر دهد. به گفته آنان یکی از دلایلی که ایران را بیشتر به ساختن بمب متمایل می کند تظاهرات ماه ژوئن در این کشور است. در پی این تظاهرات نظام مستقر در ایران که بیش از همیشه موجودیت خود را در خطر می بیند امیدوار است که با تجهیز خود به سلاح هسته ای اعتبار داخلی از دست رفته را بازیابد و موجودیتش را در سطح بین المللی بیمه کند.

هواداران نظریه دوم گرچه لزوماً نظر گروه اول را رد نمی کنند معتقدند که امتیاز دهی ایران در ژنو دست کم نشانه ای از بروز تردیدهای نورسته در دل مقامات ایران است. به اعتقاد این گروه منشأ ظهور این تردیدها دو چیز است: از یک طرف مواجهه حکومت مذهبی ایران با مشکلات سیاسی از ماه ژوئن به بعد و از طرف دیگر و به خصوص پی بردن ایران به این واقعیت که با نزدیکی آمریکا و روسیه دیگر نمی تواند روی تفرقه میان اعضای شورای امنیت سازمان ملل حساب باز کند. و به نظر هواداران این نظریه نظام حاکم بر ایران دیگر توان آن را ندارد که خطر افزودن پی آمد تحریم های جدید یعنی مشکلات اقتصادی مضاعف را به وضعیت متزلزل سیاسی کشور بپذیرد.

گروه سوم که از دو گروه دیگر خوش بین تر است شامل کسانی می شود که همیشه معتقد بوده اند جمهوری اسلامی فقط می خواهد به آستانه اتمی شدن نزدیک شود تا بعد بتواند بر سر بقای خود از موضع قدرت معامله کند. به اعتقاد صاحبان این نظریه ایرانی ها امروز به این نکته پی برده اند که می توانند با ایالات متحده بارک اوباما به یک توافق منطقه ای برسند و به شریک ممتاز و اشینگکن تبدیل شوند بنابراین آن ها از این پس با این ورق بازی خواهند کرد.

پس تا اینجا نتیجه شد دو به سه یعنی از سه نظریه مطرح دوتایشان دلگرم کننده بوده اند. نسبت خوبی است و حتی چنانچه رئیس جمهور ایران محمود احمدی نژاد هدفی جز وقت کشی نداشته باشد باید بگوئیم که واقعیت توازن قوا خود را به او تحمیل خواهد کرد.

برنار گتا

## محسن مخملباف جایزه اش در فستیوال حقوق بشر را

به کربوبی تقدیم کرد

## مهدی کربوبی نامزد صلح نوبل سال آینده



محسن مخملباف جایزه بزرگ فستیوال حقوق بشر "نورنبرگ" را که به خاطر یک عمر دست آورد هنری و فعالیت های حقوق بشری به وی اهداء شده بود را به مهدی کربوبی تقدیم کرد.

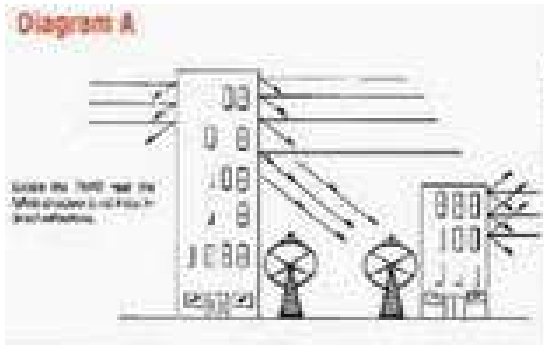
وی در مراسم اهداء جایزه گفت: "جایزه گرفتن و جایزه دادن در جهان امروز باید به نوعی مبارزه دموکراتیک تبدیل شود، من جایزه ام را تقدیم می کنم به مرد بزرگی که تجاوز در زندان های ایران را با شجاعت افشاء کرد و بسیاری از ایرانی ها او را برای جایزه صلح نوبل سال آینده پیشنهاد کرده اند.

او در جامعه ای که استبداد با ایجاد ترس حکومت می کند، با شجاعت مرزهای این ترس را عقب می زند. نام این شخص کربوبی است. سی و چند سال پیش من و او در زندان های شاه شکنجه می شدیم و او آن روز هم چون امروز شجاع بود. کربوبی در 30 سال گذشته در هر مقامی بوده از حقوق بشر دفاع کرده است و هر زندان رفته و ظلم دیده ای خاطره ای از حمایت های او را به یاد دارد. او برای این جایزه هزاران بار سزاوارتر از من است "





## روش های دیگر



عکس های ۵، ۶ و ۷ قدیمی ترین و اولین روش میارزه با پارازیت را نشان می دهد. این روش در چند سال گذشته کاربرد زیادی داشت و اکنون نیز در مناطقی که شدت پارازیت در آنها نسبتاً کمتر و ضعیفتر است کارائی دارد.



## راه های مقابله با پارازیت های ماهواره

داود حبیبی @

کودتا چیان با استفاده از دستگاهها و سیستم های روسی ، تلاش وسیعی را برای از کار انداختن تلویزیون های ماهواره ای توسط پارازیت آغاز کرده اند. راه حل های مقابله با پارازیت های ماهواره ای در این مطلب ارائه شده است. عکس های مورد نیاز نیز ضمیمه شده است تا با استفاده از آنها بهتر بتوان با ترغیب دشمنان آزادی مقابله کرد.

امواج پارازیت در ایران ما به دو صورت ارسال می شوند :

اول، طریق ارسال سیگنال مزاحم روی فرکانس کانالی خاص و به سمت ماهواره پخش کننده، ارسال می گردد که تنها باعث ایجاد اختلال در تمامی کانالهای موجود در آن فرکانس خاص می شود ولی بقیه فرکانسهای آن ماهواره قابل دریافت است.

دوم: ارسال از طریق منابع زمینی که در این روش تقریباً تمامی فرکانسهای ماهواره ای در جهتهای مختلف از کار می افتند. این روش بسیار خطرناک و مضر برای سلامتی انسان می باشد.

راههای مقابله با این روش به شرح زیر است:

**اولین و کارآمدترین روش**

کافی است دیش را با توجه به جهت منبع ارسال پارازیت در محلی قرار دهید تا مانعی سخت سر راه پارازیت قرار بگیرد. به عکس ۱ و محل گرفتن دیش دقت کنید.



البته اگر شما چنین محل مطمینی را پیدا نکردید مهم نیست . می توانید فقط جهتی که امواج پارازیت از آنسو ارسال میشوند را ببینید و دیش را کنار دیوار یا کولر یا هر مانع سخت دیگری قرار بدهید.

توجه به عکسهای ۲، ۳ و ۴ نشان می دهد که می شود از دیوار، کولر، حصارهای توری فلزی یا سیمی یا هر چیز مشابه آنها بعنوان مانع سخت استفاده کرد و از شر پارازیت خلاص شد.



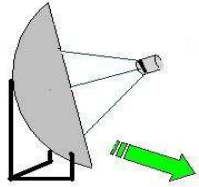
در صورت امکان می توان دیش را در بالکن یا در حیاط خانه قرار داد.



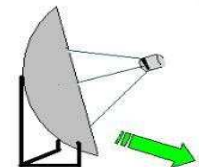
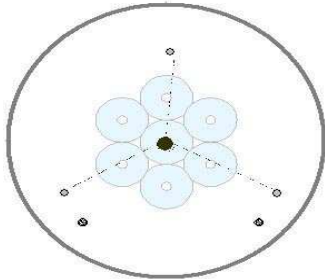
## راههای سبز



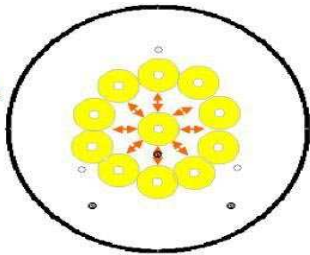
عکس های شماره ۱۲ و ۱۳ نیز نشان دهنده یکی از روشهای برای مبارزه با امواج پرازیت است. باید از CD های NoName استفاده کرد و اگر اینگونه CD را نتوانستید پیدا کنید باید لایه رنگی روی CD ها را پاک کنید و بعد دقیقاً همانند شکل های زیر با استفاده از چسب قطره ای کف دیش قرار دهید. توجه کنید: فاصله CD ها در عکس شماره ۱۳ از یکدیگر ۲-۳ CM باید باشد.



رهنمای تصویر



رهنمای تصویر



### منبع اصلی ارسال پرازیت

یکی از مراکز اصلی ارسال پرازیت برج میلادست، جایی که زمانی قرار بود همانند برج معروف CN Tower تورنتو کانادا، نماد شهر تهران یا بقول خود مهندس کرباسچی یادگاری بجای مانده از ایشان باشد و در حال حاضر بجای ا نماد شهر تهران، نماد نماد سانسور و خفقان شده است. عکس های زیر از محل ارسال پرازیت برج میلاد گرفته شده است.

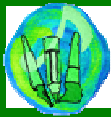


عکس های ۵، ۶ و ۷ قدیمی ترین و اولین روش مبارزه با پرازیت را نشان می دهد. این روش در چند سال گذشته کاربرد زیادی داشت و اکنون نیز در مناطقی که شدت پرازیت در آنها نسبتاً کمتر و ضعیفتر است کارائی دارد.



عکس شماره ۱۰ و ۱۱ در این روش با قرار دادن ۳ عدد آهنربای بلندگویی پراید یا هر بلندگویی سوخته دیگری در زیر هر پایه دیش می توان به جنگ امواج مزاحم رفت.





### آبی عکس و ترانه ایرج عبادی

کسی میان قامت آیینه  
نیامده ، آمد آبی  
با دو تکه آسمان در تن  
رها در ساتتی از عریان  
می رقصد  
پیچ پرواز دو عکس  
در هم و باهم  
تا دویدن دریا  
از نردبان جنون بالا می رود  
حسی کوتاه و بلند  
می چرخد بدور دیوار مجنون  
در تراکم  
خفته ی فریاد لیلی  
که میرسد به شب و نمی رسد  
به گوش ارتقاع گل  
می نشینم  
روی سکوت آرمیده ی نیمکت ماه  
دو نگاه در تنگ شراب  
راه می رود  
کش می دهد عکاس زمان  
تصویر دستهایی را به نوازش  
تا بیاید  
که بیاید  
به خانه ی شطرنجی خورشید  
یا که شید " میترای " دلنواز  
که صدای بامداد را میریزد در هوا  
بدنبال پرنده ای از جنس باران  
هر چه میکشی  
با آبرنگ غزل ناز و عکس ترانه  
آفتابی می شوم سبز  
افتاده در نهاد آبی  
گرمای مرمری تاج محل  
در انحنای تنی می خواندم  
که رفتن و نرفتن نتوانم  
با موج موهایی  
ریخته بر شانه ی نزدیک لبخند لب لب هایت  
که تبار سرد ، دلسردیم را از سرما می شوید.

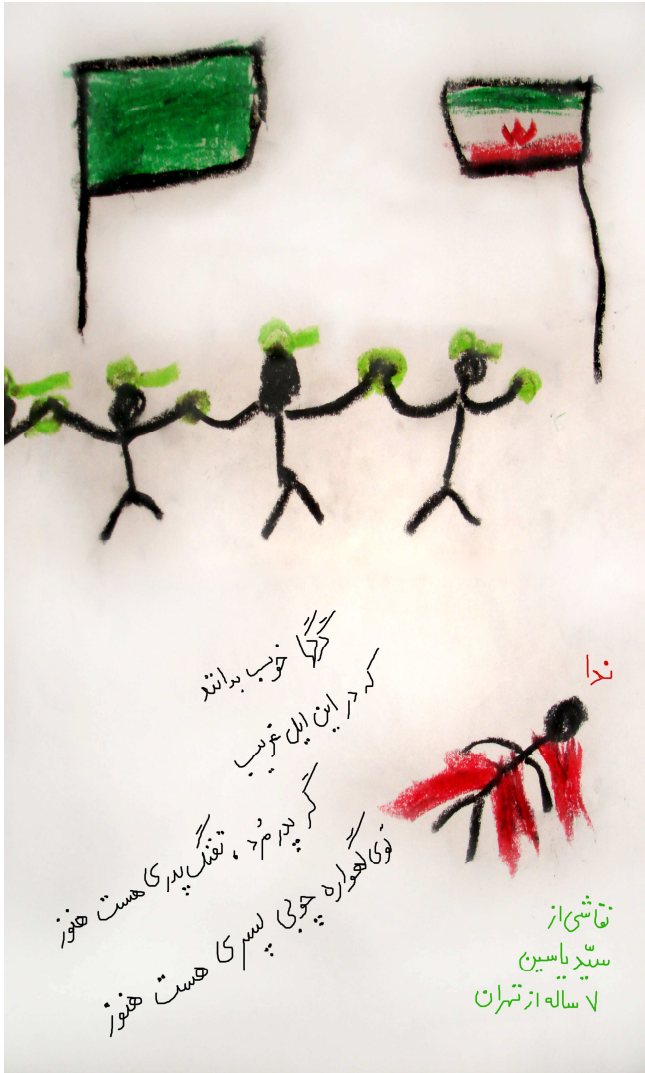


### ویدا فرهودی

شرمت نمی آید چنین درننگ ها پنهان شدن  
گردن زدن آواز راه ، با کرکسان همخوان شدن  
رقصاندن سرو سهی، حلاج گون بر دارها  
با کوبه ی شلاق ها، خنیاگر زندان شدن  
پاشیدن خاشاک کین، بر صحن سر سبز زمین  
همچون زمستان ددمنش، غارتگر بُستان شدن  
خون قلم را ریختن، شعر نجیب عشق را  
بر افترا آویختن با و هن هم پیمان شدن  
انسان نه ای در باورم، باشد تورا چون هم و غم  
برمسند زُهد سیه، فرمانده ی انسان شدن  
در دشمنی با زندگی، ترسانی از زاینده گی  
خواهی بدری موج راه، درقله ی طغیان شدن  
موجی که با بالندگی، خیزد ز قعر خفتگی  
مرداب تو ریزد به هم ، در نوبت توفان شدن  
شد گر چه شادی سرنگون، از خاکمان اما کنون  
رویند گل ها لاله گون، با همت عصیان شدن  
باور نداری نوبتی، بنگر به فوج غنچه ها  
کز عنقوان نطفگی سرخند از خندان شدن  
بی چاره ای زین پس بدان، ننگت بود هر جا عیان  
ای بُرده خاک خسته مان، تا ورطه ی ویران شدن  
چون لشگری آراسته، میهن کنون برخاسته  
حاصل ندارد بیش از این، در رنگ ها پنهان شدن



سپاس از یاسین عزیز به خاطر ارسال نقاشی قشنگش



### بوی تاریخ / تا سیاوشی درون آتش بابک شاکر



من که نمی خواستم بوی خون بدهد اطلسی  
خیابان پرشود از یاسهای خشک شده  
من نمی خواستم  
صدای این ترانه قطع شود روی لبانت  
! بیدار شو  
ترا به ماه قسم می دهم بیدار شو  
بگذار مادرم برای آخرین بار لالایی بخواند و باز  
من به خوابی تا آسمان بروم

ترا به زنبقهای سیاه باغچه سوگند  
به تمام آزادی های دریا قسم میدهم  
بگذار  
این گزاره ها تمام شود  
کابوس امانم را بریده از بس که مردم روی دستهای مردم

باورکن نمی خواستم  
دستانم بنویسد نام تو را  
وازنم تو  
خون بریزد روی سفیدی جهان  
هزار بار هم که نوبت ما شود  
حکمی تازه می شود برای کودکی ام / این آویزانی مدام

من محکوم به نبودن نیستم  
من محکوم که انسان بمانم و  
تو مرا نمی خوانی به سوی خود

خدایا  
این زجر دائمی را تمام کن  
بگو فرشته هایت این طناب را بکشندبالا  
تا گلویم تورا بیرون بریزد  
که لی لی کنان به سوی تو می آمدند / مگر تاریخ چندکودک داشت

انسان به کدام دالان تودر تو رفته است  
که سیاوش می اندازد درون آتش  
که سهراب خاکستر می کند  
و جشن می گیرد  
.... و سیاه می پوشد / حمله می بندد

خدایا تمامش کن  
خودت این قصه را ختم به من کن  
ختمی که مادر ندارد فرزند  
هر چه می آیند / هر چه می روند / وفرزندت نمی ندارد